

معماری سازمانی چارچوبی برای تبیین، هماهنگ‌سازی و همسوسازی کلیه فعالیت‌ها و عناصر سازمان در جهت نیل به اهداف راهبردی سازمان است. معمار سازمانی همانند دیگر معماران با بخش‌های مختلف سیستم درگیر می‌شود، اما برخلاف دیگر معماری‌ها، معمار با سیستمی مواجه است که اجزای آن اغلب غیرفیزیکی، غیرقابل لمس و مفهومی بوده و روابط حاکم بر آنها منبعث از روابط و فرهنگ کاری و (یا) انسانی است. جهت توصیف چنین سیستمی، او نمی‌تواند از روش‌های رایج برای دیگر معماری‌ها استفاده نماید و نیاز به استفاده از مدل‌های مختلف دارد. می‌توان معماری سازمانی را با مجموعه‌ای از مدل‌های بهم پیوسته و مرتبط نمایش داد که انتخاب بین انواع مدل‌های مناسب بر عهده معمار است.

معماری سازمانی ریشه گرفته از بحث «معماری سیستم‌های اطلاعاتی» و به خصوص «معماری اطلاعات» و ادامه این نوع از معماری‌ها بطور خاص در سازمان است. تفاوت معماری سازمانی و معماری سیستم‌های اطلاعاتی در این است که معماری سازمانی تمام جنبه‌های سازمان نظیر کاربران، موقعیت جغرافیایی سیستم‌ها، نحوه توزیع آنها، فرآیندهای حرفه، انگیزه کارها، راهبردها، مأموریت‌های سازمان و غیره را در نظر می‌گیرد، در حالیکه معماری اطلاعات، تنها بر اطلاعات متمرکز شده است. در واقع، در معماری سازمانی با یک نوع مهندسی مجدد در کل سازمان، از منظر سیستم‌های اطلاعاتی روبرو هستیم که سعی در بهبود فرآیندهای کاری سازمان از طریق به کارگیری فناوری اطلاعات دارد. این روش از لحاظ تاریخی پیشینه طولانی ندارد و در بین بقیه روش‌ها از تازه‌ترین‌هاست و در طبقه‌بندی آنها از گونه سازمان‌گرا و داده‌گراست و ناشی از گسترش بکارگیری فناوری اطلاعات در سازمان‌ها و افزایش تعاملات درون و برون سازمانی و همچنین شتاب روزافزون تغییرات است که بحران فناوری را ایجاد نموده است.

زمینه معماری سازمانی (معماری فناوری اطلاعات سازمانی) در سال ۱۹۸۷ با انتشار مقاله‌ای با نام «چارچوبی برای معماری سیستم‌های اطلاعاتی» توسط جان زکمن پایه‌گذاری گردید. در این مقاله زکمن به چالش و چشم‌انداز معماری‌های سیستم‌های اطلاعاتی اشاره می‌کند. چالش به مدیریت سیستم‌های توزیع شده همراه با پیچیدگی در حال افزایش، مربوط است. زکمن می‌گوید:

«هزینه و موفقیت کسب و کار، به طور روزافزون به سیستم‌های اطلاعاتی کسب و کار و رویکرد نظام‌مند برای مدیریت این سیستم‌ها، بستگی دارد»

چشم‌انداز زکمن آن بود که ارزش و چالاکی کسب و کار می‌تواند بوسیله رویکرد همه جانبه برای معماری سیستم‌ها بهتر درک شود. یعنی هر موضوع از هر منظری نگاه گردد. رویکردهای چند بعدی برای معماری سیستم‌هایی که زکمن توضیح می‌دهد ابتدا «چارچوب معماری سیستم‌های اطلاعاتی» نام گرفت و به سرعت به «چارچوب معماری سازمانی» تغییر نام یافت.